

فرار پدرزن و دامادسیاستمدار از ایران

۱۴ ماه بعد از فرار دو دوست از ایران، پیوند ازدواج دختر یک دوست با دوست دیگر در فرانسه جشن گرفته شد و این دو دوست که ماه ها جلوتر با هم پیوند فکری و ایدئولوژیک پیدا کرده بودند، شدند داماد و پدرزن.

به گزارش خبرنگاران گروه جامعه گزارش خبر، امروز هفتم مردادماه چهلمین سالگرد فرار سیدابوالحسن بنی صدر، اولین رییس جمهور ایران به همراه مسعود رجوی سرکرده گروهک تروریستی منافقین از ایران با مساعدت سرویس های جاسوسی غربی و همکاری عبری و همکاری سرهنگ بهزاد معزی، عضو مخفی سازمان منافقین در سال ۱۳۶۰ با یک فروند بوئینگ ۷۰۷ از فرودگاه مهرآباد است.

سیدابوالحسن بنی صدر یک ماه پس از برکنار شدن از پست فرماندهی کل قوا از سوی امام خمینی و رای مجلس به عدم کفایت سیاسی و عزل از ریاست جمهوری، با همکاری و همراهی مسعود رجوی متحد ایدئولوژیکش، یک هفته قبل از فرار از ایران «شورای ملی مقاومت ایران» را در تاریخ ۳۰ تیر ۱۳۶۰ با هدف متحد کردن نیروهای مخالف جمهوری اسلامی و از بین بردن این نظام تشکیل داد.

بنی صدر و رجوی که از دولت فرانسه تقاضای پناهندگی سیاسی کرده بودند در قالب این شورا خود را رییس جمهور و نخست وزیر ایران معرفی کردند البته این رابطه دوستی و فامیلی دیری نپایید و اختلافات این دو بر سر برخی مسائل از جمله رابطه رجوی با صدام حسین و حزب بعث عراق و شرکای جنسی متعدد رجوی و نارضایتی بنی صدر از این موضوع، بالا گرفت و پیوند سیاسی و فامیلی این دو در سال ۱۳۶۲ فروپاشید.

سیدابوالحسن دوم فروردین ۱۳۱۲ شمسی در روستای باغچه از توابع شهرستان کبودرآهنگ متولد شد. پدرش آیت الله سیدنصرت الله معروف به صدرالعلمای همدانی و پدربزرگش سیدصالح معروف به مجدالعلماء همدانی از روحانیون سرشناس استان همدان بودند. او دارای یک برادر به نام سید فتح الله بود. پدرش با سیدروح الله موسوی خمینی سلام و علیک داشت. سیدنصرالله او را به آموختن درس دین در مدارس علوم دینی تشویق کرد اما او پس از گرفتن دیپلم از مدرسه شریعتی شهر همدان در آزمون دانشگاه تهران شرکت کرد و در رشته اقتصاد و حقوق اسلامی این دانشگاه پذیرفته شد و در همین رشته از دانشگاه تهران فارغ التحصیل شد.

سیدابوالحسن جوان پس از تاسیس مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۷ چهار سال در این مؤسسه تحقیقاتی مهم دانشگاه مشغول کار شد. در هفتم شهریور ۱۳۴۰ در ۲۸ سالگی با عذرا حسینی دختر همسایه و همشهریش ازدواج کرد و صاحب دو دختر و یک پسر شد. ازدواج فیروزه دختر ۱۷ ساله بنی صدر با مسعود رجوی سرکرده گروهک تروریستی منافقین به دلیل بالا گرفتن اختلافات سیاسی سیدابوالحسن و مسعود، به اجبار پدر به طلاق منجر شد.

روزگار سیاسی

علاقه بنی صدر به دکتر محمد مصدق و نگرش سیاسی او موجب پیوستنش به جبهه ملی شد. بنی صدر جوان مسؤل سازمان دانشجویی جبهه ملی در دانشگاه تهران و نماینده دانشجویان دانشکده حقوق دانشگاه تهران در کنگره جبهه ملی ایران در سال ۱۳۴۱ بود. او نماینده جمع کوچکی از دانشجویان ضد رژیم بود که به دلیل مواضع و فعالیت های سیاسی ضد شاه دو بار به زندانهای رژیم افتاد. گرایشها و فعالیت های سیدابوالحسن موجب حضورش در تظاهرات خونین ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و مجروحیتش شد.

بنی صدر پاییز ۱۳۴۲ با حمایت و همراهی احسان نراقی یکی از موسسان بنیاد فرهنگ ایران، کشور را به مقصد فرانسه ترک کرد و تحصیلات عالی خود را در دانشگاه سوربن ادامه داد و مدرک دکترای اقتصاد و سرمایه گذاری گرفت. او به دو زبان عربی و فرانسوی تسلط داشت.

بری رابین در کتاب مشهور تجربه آمریکایی و ایران می نویسد: «در پاریس او به کتاب و مکتب «کوچک زیباست» علاقه مند شد. کتابی که از صنایع کوچک و دخالت مردمی در اقتصاد و حمایت از تولیدهای خرد دفاع می کرد. تأثیر از این مکتب در کتاب های اقتصادی او مشهود است.»

در آغوش انقلاب

با ارتحال آیت الله سیدنصرالله بنی صدر در سال ۱۳۵۰ در نجف اشرف، سید ابوالحسن ۳۸ ساله و سایر دوستان و اقوام پدر برای تشییع پیکر به نجف رفتند و بنی صدر پسر در جریان مراسم های تشییع و خاکسپاری با سیدروح الله خمینی روبرو شد و به تدریج در شمار همراهان و دوستان ارمان امام در آمد.

مایکل اکسورثی در کتاب مشهور «ایران انقلابی» نوشت: رابطه بنی صدر با آیت الله خمینی در آن سالها مانند رابطه پدر و پسر بود. عقاید اقتصادی و سیاسی بنی صدر، اما بیش از آن که به آیت الله خمینی نزدیک باشد شباهت به نظریات سیدمحمدباقر صدر در کتاب اقتصادنا داشت.

او در آن سالها تحت تأثیر چند مکتب فکری-سیاسی مختلف و گاه متعارض بود. ناسیونالیسم نهضت آزادی، اسلام گرایی و اقتصاد اسلامی از نوع تفکرات شهید صدر، پروتستانتیسیم اسلامی دکتر شریعتی، کتاب «کوچک زیباست» شوماخر و سوسیالیست های تخیلی دهه های ۱۹۷۰ اروپا البته تأثیر دکتر علی شریعتی در اندیشه و دیدگاه های اقتصادی بنی صدر نیز مشهود بود.

بنی صدر پس از ورود به ایران در تاریخ ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ و برگزاری جلسات سخنرانی در دانشگاه صنعتی شریف با حکم امام خمینی تا پایان ماموریت شورا عضو شورای انقلاب اسلامی شد. او مدتی بعد به معاون وزیر اقتصاد و دارایی شد و در پی استعفای دسته جمعی دولت موقت دکتر مهدی بازرگان

سپس به سمت وزیر اقتصاد و دارایی منصوب شد.

با قبول استعفای دولت موقت از سوی امام خمینی، شورای انقلاب مسؤول برگزاری انتخابات ریاست جمهوری شد. ۹۶ نفر نامزد انتخابات ریاست جمهوری شدند.

اصلی‌ترین رقیب او یعنی حزب جمهوری اسلامی به علت تأکید آیت الله خمینی بر دوری روحانیون از امور اجرایی نتوانست کاندیدای قدرتمندی برای رقابت با بنی صدر معرفی کند و کاندیدای مورد حمایت حزب جمهوری اسلامی یعنی جلال الدین فارسی که افغانی الاصل بود به علت منع قانونی از انتخابات ریاست جمهوری کناره گرفت. از سوی دیگر جامعه روحانیت مبارز از نامزدی بنی صدر حمایت کرد. بنی صدر البته پس از دیدار با امام خمینی نامزدی خود در انتخابات ریاست جمهوری را اعلام کرد.

در میان تأیید صلاحیت شدگان سیدابوالحسن بنی صدر با حدود ۱۱ میلیون رای پنجم بهمن ماه ۱۳۵۸ با کسب ۷۶ درصد آرا شرکت کنندگان، اولین رئیس جمهور ایران شد.

اکسورثی علت پیروزی بنی صدر در انتخابات را روحانی بودن پدر و جد او، حمایت رهبر فقید انقلاب اسلامی، تأکید امام مبنی بر دوری روحانیون از مناصب اجرایی در ماههای ابتدایی پیروزی انقلاب و تحصیلات عالی اقتصادی بنی صدر دانست. سه هفته بعد از پیروزی بنی صدر در ریاست جمهوری، امام خمینی مسؤولیت فرماندهی کل قوا را نیز بر عهده او گذاشتند.

با برگزاری انتخابات نخستین دوره مجلس شورای اسلامی در اسفند ۱۳۵۸ حزب جمهوری اسلامی اکثریت مجلس را در دست گرفت. کنت کاتزمن دلیل مخالفت حزب جمهوری اسلامی با بنی صدر را دو عامل دانست. اول، مخالفت بنی صدر با حضور روحانیون در امور اجرایی و ترکیب دولت و دوم، حمایت او از سازمان مجاهدین خلق. تنش جدی بین حزب جمهوری اسلامی و بنی صدر در معرفی نخست وزیر به مجلس شورای اسلامی اتفاق افتاد. مجلس تمامی پیشنهادهای بنی صدر برای نخست وزیری را رد کرد و نهایتاً با تشکیل شورایی مشترک میان مجلس و دولت، محمدعلی رجایی به سمت نخست وزیر انتخاب شد، تصمیمی که با وجود مخالفت بنی صدر اجرایی شد.

تنش بین او و رقبایش به انتخاب اعضای کابینه کشیده شد و البته با آغاز جنگ، مخالفت بنی صدر با نیروهای انقلابی به ویژه بی توجهی عمدی او به تأمین نیازهای رزمندگان در جبهه های جنگ به خصوص مخالفت سرسختانه با فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اولین ماههای شروع جنگ تحمیلی اصلی‌ترین دلیل کاهش محبوبیت او و عزل بنی صدر از فرماندهی کل قوا و توقیف ارگان او روزنامه انقلاب اسلامی، بود.

ادامه تنش بین بنی صدر و نیروهای انقلاب به سخنرانی او در سالگرد درگذشت دکتر محمد مصدق در دانشگاه تهران منجر شد. او در این مراسم بدون ارائه هرگونه سند مستندی مدعی شکنجه زندانیان در زندانهای کشور شد که این سخنرانی حاشیه‌های زیادی به دنبال داشت از جمله تظاهرات حامیان و مخالفان بنی صدر در ۱۴ اسفند ۱۳۵۸ بود. در آن مراسم حامیان بنی‌صدر تصاویری از مرحوم محمد مصدق و آیت‌الله محمود طالقانی و آیت‌الله سیدکاظم شریعتمداری در دست داشتند و مخالفان او تصاویر بزرگی از امام خمینی در دست گرفته بودند.

پنج روز پس از عزل سیدابوالحسن بنی صدر از فرماندهی کل قوا، مخالفان او در تاریخ ۲۵ خرداد ۱۳۵۸ تظاهرات اعتراضی گسترده ای در تهران و برخی شهرهای کشور برگزار کردند و خواستار محاکمه و اعدام او شدند. ۲۶ خرداد طرح دو فوریتی برخی نمایندگان مجلس برای سلب کفایت سیاسی رئیس جمهور در مجلس به جریان افتاد و با تصویب کلیات آن شور دوم طرح در صحن علنی مجلس به جریان افتاد و پنج روز بعد در تاریخ ۳۱ خرداد با اکثریت قاطع آراء عدم کفایت سیاسی بنی صدر به تصویب مجلس رسید و با اطلاع امام از این تصمیم مجلس، حکم عزل او از ریاست جمهوری نیز از سوی ایشان صادر شد.

پس از عزل او از ریاست جمهوری شورای سه نفره ریاست جمهوری متشکل از اکبر هاشمی رفسنجانی، سیدعبدالکریم موسوی اردبیلی و محمدعلی رجایی برای اداره کشور تشکیل شد و محمدرضا مهدوی کنی به عنوان پیشنهاد این شورا معرفی شد.

در دامن منافقین

بعد از عزل بنی صدر از همه مناصب سیاسی خود در نظام جمهوری اسلامی ایران تنها گروهی که پذیرای او شد، گروهک تروریستی منافقین بود. اعضای سازمان مجاهدین در زمستان ۱۳۶۰ در اعتراض به عزل بنی صدر دست به تظاهرات خیابانی زدند و خواستار سرنگونی حکومت نوپای سیاسی ایران شدند.

پس از واقعه هفتم تیر و بمب گذاری مقر حزب جمهوری اسلامی و شهادت دکتر سیدمحمد حسینی بهشتی، بنی صدر به صورت علنی وارد مبارزه مسلحانه با نظام جمهوری اسلامی شد. چند روز پس از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و پیروزی محمدعلی رجایی، بنی صدر همراه با مسعود رجوی با یک فروند بوئینگ ۷۰۷ که سرهنگ معزی از فرودگاه مهرآباد ربود از کشور گریختند و به فرانسه پناهنده شدند.

با فرار بنی صدر از ایران، همسر او عذرا حسینی بازداشت شد اما با دستور مستقیم آیت الله سیدمحمد بهشتی و اقدام سیدعبدالکریم موسوی اردبیلی از زندان آزاد شد.

مسعود رجوی

مسعود در سال ۱۳۲۸ در شهر مشهد متولد شد. او دوره دبستان را در مدرسه فارابی و دوره دبیرستان را در مدرسه شاهرزای مشهد گذراند و دیپلم ریاضی گرفت و در سال ۱۳۴۵ در رشته حقوق سیاسی دانشکده حقوق دانشگاه تهران پذیرفته شد و در خرداد ۱۳۵۰ لیسانس گرفت.

مسعود جوان همزمان با ورود به دانشگاه وارد گروههای سیاسی نزدیک به حزب توده شد. او از ۱۹ سالگی به عضویت سازمان مجاهدین خلق (منافقین) درآمد و در مرداد ۱۳۴۹ به همراه چند نفر از اعضای این سازمان برای برقراری رابطه و انجام مذاکره با مدیران سازمان فتح راهی اردن شد و پس از بازگشت از این کشور به هسته مرکزی سازمان منافقین راه یافت.

او به همراه هفت عضو دیگر هسته مرکزی سازمان و دهها نفر از کادرهای اجرایی در حمله شهریور ۱۳۵۰ ساواک به خانه‌های تیمی دستگیر و راهی زندان اوین شد. دستگیرشدگان در دادگاه‌های عادی و تجدیدنظر نظامی حکومت پهلوی در بهمن ۱۳۵۰ محاکمه و به اعدام محکوم شدند.

جستن از اعدام

همزمان با دستگیری کادر اصلی سازمان منافقین و صدور حکم اعدام مسعود، برادرش کاظم از استایید دانشگاه‌های سوییس که بعد از پیروزی انقلاب اولین سفیر ایران در مقر سازمان ملل متحد در ژنو شد، برای نجات او دست به کار شد. او در ۳۰ بهمن ۱۳۵۰ به دیدار کورت والدهایم دبیرکل وقت سازمان ملل متحد که در سوییس به سر می برد رفت و از او خواست تا برای لغو حکم اعدام اعضای سازمان تلاش کند.

همزمان علاوه بر فعالیت کاظم رجوی، برخی سازمان‌های طرفدار حقوق بشر در خارج از ایران به همراه دو وکیل سوئیسی برای دفاع از اعضای سازمان به ایران رفتند و سرانجام با وساطت شخصیت‌های برجسته سیاسی همچون دبیرکل وقت ملل متحد، پیر گرابل رئیس کنفدراسیون سوئیسی و فرانسوا میتران رهبر حزب سوسیالیست فرانسه، محمدرضا شاه تحت فشار ناگزیر به تغییر حکم اعدام به حسب ابد با اعمال شد.

با به اوج رسیدن انقلاب اسلامی مسعود رجوی به همراه برخی از اعضای سازمان منافقین در ۳۰ دی‌ماه ۱۳۵۷ همراه با آخرین گروه از زندانیان سیاسی آزاد شدند.

ترور مسلحانه

مسعود رجوی پس از ناکامی در راهیابی به مجلس خبرگان قانون اساسی و ورود به اولین دوره مجلس شورای اسلامی از ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ اقدام به اعتراضات خیابانی و ناامن کردن فضای سیاسی و اجتماعی ایران شدند و با عزل سیدابوالحسن بنی صدر از ریاست جمهوری و فرماندهی کل قوا این گروه وارد فاز مسلحانه و ترور فردی و دسته جمعی نیروهای انقلاب و شخصیت‌های سیاسی و مردمی کشور از جمله شهید بهشتی و ۷۲ عضو حزب جمهوری اسلامی، محمدعلی رجایی و محمدجواد باهنر رییس جمهور و نخست وزیر، چهار امام جمعه سرشناس و فرماندهان و امرای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شدند و غائله اسفند ۱۳۶۰ را رقم زدند.

جنایتهای انسانی و اخلاقی گروهک تروریستی سازمان منافقین همزمان با آغاز جنگ تحمیلی ۸ ساله عراق علیه کشورمان وارد فاز گسترده تری شد. مسعود رجوی و همفکرانش با در اختیار گرفتن پایگاه اشرف در عراق در حمایت از نیروهای بعثی در پشت جبهه های جنگ به نیروهای ایرانی ضربه های اطلاعاتی و امنیتی و نظامی زدند.

مسعود رجوی از سال ۱۳۸۱ به مدت ۱۹ سال از انتظار عمومی مخفی شد به طوری که برخی خبر از مرگ او دادند. از آن سال مریم رجوی همسر او هدایت گروهک تروریستی منافقین را از کشور فرانسه در دست دارد.